هو الله - ای حضرت امين عليک بهاءالله و ثنائه. خدمات…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ١٤٤

### هو الله

ای حضرت امين عليک بهاءالله و ثنائه. خدمات آن جناب در آستان الهی چه در ايّام ظهور چه بعد از صعود مشهود و اين از اعظم فيوضات ربّ جنود است. فاشکر الله علی ذلک و اثن عليه. اين از فضل جمال مبارک است که چون من و چون امثال من به اين مواهب موفّق و مؤيّد می گردد. پس کف‌ ابتهال را به درگاه ذوالجلال باز کن و آغاز اين نياز فرما که پروردگارا محض فضل عظيم و لطف عميم نابود و تباهی را پناهی عنايت فرمودی و در بارگاه‌ الهی راه دادی و آگاهی بخشيدی و به نور صبحگاهی و فيض نامتناهی هدايت فرمودی و بر خدمت موفّق کردی احسان و جودت چنان وجود را احاطه نموده است که ذرّات حکم نيّرات يافته است و قطرات موج بحيرات پيدا نموده ‌از فضل و فيض دمادمت و پرتو آفتاب موهبتت هر گياهی درخت بارور شده است و هر اعشابی گل و ريحان و سنبل و ضيمران گرديده است اين عبد را تا نفس پايان بر خدمتت مستدام بدار. ع ع

چند مراسله پياپی ‌ارسال گرديد انشاء الله خواهد رسيد عنقريب در اين ايّام ارياح امتحان از شطر افتتان به هبوب آيد و گردباد آزمايش از هر جهت به حرکت آيد و آنچه در الواح الهيّه اخبار داده شده است کلّ ظاهر گردد و چون امر عظيم است البتّه امتحان عظيم خواهد بود. هر سال که بهارش رشک فردوس جنان است و ربيعش لطيف و بديع و گل و ريحانش و سنبل و ضيمرانش در غايت طراوت و لطافت و ميوه و بارش و فواکه مشکبارش در نهايت حلاوت البتّه طوفان بارانش و بوران زمستانش و برف و يخ و طغيان سيل روانش نيز شديد است. تا اين شدّت برودت احاطه ننمايد آن بهار جان پرور جهان را نيارايد و جمال گل چهره نگشايد و مرغان چمن نسرايد و کوه و دشت رشک بهشت برين نگردد . باری امر الله آنچه امتحانش عظيم و افتتانش شديد شود قوّت و قدرتش در عالم ظهور پديد گردد و انوارش در شرق و غرب جهان ساطع ومضئ شود.

حمد جمال قدم و اسم اعظم را که ارکان نفاق را در مدينهٔ کبيره‌ از بنياد بر انداخت و ريشهٔ شقاق را بکلّی قطع نمود. شيخ احمد عنود و آقاخان مردود را با جميع عونه اسير ذلّ و خذلان فرمود و در جميع نقاط عالم ‌امرش را تأييد کرد دوستانش را در کلّ مواقع به جنود ملأ اعلی نصرت کرد و معاندان را درجميع مقامات ذليل نمود صدق طويّت و خيريّت نيّت و صداقت و امانت و ديانتشان را نزد کلّ واضح و مشهود فرمود و فساد و عناد و فتنه و کينهٔ بد خواهان را مشهود و معلوم کرد در نزد جميع حکومات عالم ثابت و مقرّر داشت که اين حزب مأمور به اطاعت و وفاقند و ممنوع از مخاصمه و شقاق خير خواهان دولتند و محبّان و دوستان سلطنت سرير شهرياری را مطيع و منقادند و درگاه خسروی را به جان و دل بندهٔ آزاد، طوعاً خادمند و به طيب خواطر ملازم. اين کيفيّت تا به حال مجهول بود بلکه برعکس مشتبه و و نامعلوم حال الحمد لله به عون و عنايت اسم‌ اعظم حقيقت حال معلوم و مشهود گرديد جميع راهها استوار شد و هر سنگلاخ هموار، از خارج مشکلی نماند و از اعداء صنديد معاندی نماند معاندان باقی را شأن و وجودی نه و دشمنان صميمی را قدر و شهودی نيست اين از جهت طوائف سائره و اعداء خاسره. امّا در امر مبين و نبأ اعظمش نيز بيست و پنج سال پيش در کتاب اقدس عظيمش که لوح محفوظ الهی و امّ الکتاب ربّانی بود به نصّ صريح و فصل خطاب صحيح منهج قويم قديم و صراط مستقيم را واضح و دليل جليلش را لائح فرمود و شريک و سهيم در امر عظيم و سلطان مبينش نگذاشت و جميع دوستان را چون طفل رضيع از اين ثدی عزيز در اين مدّت مديده شير داد و رکن شديد را آشکار و پديد کرد.

پس به اثر قلم اعلی از ملأ انشاء و اهل ملأ اعلی و اهل سرادق قدس خلف حجبات بقا عهد و پيمان گرفت و قسم و ايمان ياد فرمود که ثابتين را به جنود ملکوت ‌ابهی نصرت فرمايد و راسخين را به قبيل ملائکه ‌از افق ‌اعلی حمايت، مارقين را اسير خذلان کند و متزلزلين را اجير شيطان، امری را مستور نداشت و شبهه ای نگذاشت ولی پيمان به اين عظيم را البتّه تزلزل شديد حاصل گردد و ميثاق به‌ اين وثيق را البتّه ناقض ناقص غير مستقيم مشهود آيد اين از سنن الهيّه ‌است و از امتحانات لاريبيّه و لن تجد لسنّة ‌الله تبديلاً. اميدوارم که‌ اين گونه امور واقع نگردد و از اين قبيل وساوس به‌ ميدان نيايد. اوّلاً اين که ‌ميثاق شديد و بنيان پيمان‌ از زبر حديد، ثانياً آن که اين عبد را با نفسی کلفتی نه و تعرّضی نيست تکليفی ندارم و تميّزی نجويم درگاه جمال مبارک را عبد فانيم و آستان مقدّس را پاسبانی دانی با کسی معارضه نکنم و منازعه ننمايم سر تسليم دارم و قلبی سليم من شاء فليتمسّک بعروة اللّه الوثقی و حبله ‌المتين و من شاء فليتزلزل فی ميثاقه‌ الغليظ و امره‌ المبين. باری اين را بدان‌ اگر کلّ‌ احبّای‌ الهی نعوذ بالله متزلزل شوند اين عبد در حقّ نفسی توبيخ روا ندارم و حرفی بر زبان نرانم به خدا واگذارم و به عروهٔ تسليم و رضا تشبّث نمايم . ولی ‌اين را بدان که ‌اين نور مبين را هيچ حجابی حائل نگردد و هيچ نقابی ساتر نشود فسوف تری المتزلزلون فی خسران مبين . ع ع

